

## ابن خلدون - دور کیم فرانسوی

### فلسفه اجتماع و اقتصاد

« ۴ »

دو حکیم بزرگ شرق و غرب « ابن خلدون - دور کیم » درباره فلسفه اجتماع و اقتصاد نظریه‌های دقیقی دارند و قانونهای ثابتی بنا نهاده‌اند .  
امیل دور کیم فرانسوی از مشهورترین فلاسفه مغرب زمین و علماء علم اجتماع و تربیت است، در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم « ۱۸۵۵-۱۹۱۷ » زندگی می‌کرد ، از ۱۹۰۲ تا زمان وفات ۱۹۱۷ استاد کرسی پرورشی و اجتماع در دانشگاه سربن بود .

بعد از ابن خلدون و کانت او را مؤسس سوم علم اجتماع میدانند، تألیفاتش از مهم‌ترین مراجع و دقیق‌ترین مباحث اجتماعی و بسیار سودمند و ارزنده است . او شیخ و بزرگ مدرسه علوم اجتماعی فرانسه بشمار میرود، جنبش جامعه شناسی نوین با او باز میگردد، شاگردان و استادان این مدرسه روش استاد ارجمند و پیشوای خود را پیروی می‌نمایند، آنان رویه او را پایه و اساس قرار دادند. مشهورترین اعضاء این مدرسه و با هوش‌ترین کارکنان آن لیفی برول میبه، بوخلبیه، فوکونیه از استادان بنام علوم اجتماعی ، اخلاق و اقتصاد در دانشگاه پاریس بودند.

ابن خلدون در کتاب مقدمه آنچه را که پدیده‌های اجتماعی می‌نامند وقایع عمرانی تعبیر نموده و بیحس و تحقیق پرداخته است و برای شناختن یا بیان خصائص آن ، تمیز مابین این پدیده‌ها و پدیده‌های دیگر اجتماعی سخنانی گفته است، برخی از دانشمندان جامعه شناسی مانند دور کیم در کتاب خود بنام « قواعد روش اجتماعی » بآن گفتگوها پرداخته است و ابن خلدون بمثل‌های آشکار کفایت نموده، در آغاز مقدمه گوید:

پدیده های اجتماعی ، پایه ها و رویه هایی است که افرادی که با هم اجتماع میکنند، برای اساس نظم امور جمعیت خود و ترتیب علاقه مابین افراد خودشان اختیار میکنند یا از آن پیروی مینمایند، یا مواردی که آنها را با دیگران پیوستگی میدهد ، این

پدیده‌ها نسبت به هدف خودشان برشته‌های مختلف بخش می‌گردد ملاحظه می‌شود که پدیده‌ها از دید هدف‌ها و مرتبه‌ها باید برشته‌های نظم و پایه‌های معینی در آیند و انواع رنگارنگ دارند مانند آئین تشکیل خانواده که هدف آن بستگی علاقه روابط افراد خاندان و پیوستگی خاندانی مابین فامیل و دیگران خواهد بود، حقوق و وظیفه هر یک از افراد خاندان را محدود و مشخص می‌سازد مانند آئین امور زناشویی، رهایی، خویشاوندی، ارث و غیره.

– نظم و ترتیب امور سیاسی بسته بشئون قانونی در دولت، فرمانروایی، تجدید خصوصیات هر قدرت در حقوق و وظائف خودشان، چگونگی رابطه با قدرت‌های دیگر و با افراد و بالاخره روش بستگی حکومتی با حکومت‌های دیگر را روشن می‌سازد.

سخن دیگر نظم امور اقتصادی بر پایه شئون و موارد ثروت در اجتماع قرار دارد، روش تولید، گردش انداختن و توزیع، استهلاك و آنچه را باین هدف بستگی دارد مقرر می‌دارد.

– نظام قضائی، بمسئولیت‌های جزائی، حقوق و اجرای آنها و آنچه بسدین امور پیوستگی دارد توجه دارد.

– آئین اخلاقی، فضیلت را از بلیدی، خیر را از شرارت جدا می‌سازد، حدود و روش افراد در فکر و مسلک‌هایی که با میزان اخلاقی جور گردد، موارد قبول و رضایت اجتماعی را مقرر می‌دارد.

– آئین امور دینی، بستگی بمقاید و آراء، درك جهان قدسی و پاك، ماوراء طبیعت آنچه که اجتماع را بر پایه و تعلیمات دینی استوار می‌سازد.

– امور مربوط به لغت، روش دانستن‌ها مابین افراد اجتماع که بدان بستگی دارند، تبادل افکار مابین آنانرا تأمین می‌نماید، نتیجه تراوش قریحه‌ها و افکار را ثابت مینماید.

– آئین تربیت اجتماعی: جامعه روش خود را برای تکوین نسل نوین بکار می‌برد، آنانرا برای آینده و زمان خود مهیا می‌کند.

– امور کمالی و ذوقی اجتماع: در مورد جمال و پدیده‌های هنر از ادب، شعر، موسیقی، نقاشی و آنچه بآنها بستگی دارد ترتیب می‌دهد.

– از جمله آئین نامه‌های اجتماعی ترتیب پدیده‌های اجتماعی یا قرارداد همکاریت به تعبیر «دور-کیم» حکیم اجتماعی بستگی بروش اجتماعی افراد دارد، مردم با یکدیگر زندگانی اجتماعی پیدا می‌کنند، زیر نظر گرفتن کارها، راه همکاری مانند روش تهیه مسکن و مساحت مورد نیاز، گروهی که در آنجا باید با هم زندگانی کنند، یا قواعدی برشته نظم در آورند شئون مهاجرت از شهر به دیه، از دیه به شهر، از کشور به خارج از کشور، چون مهاجرت از امور است که برای همکاری مؤثر می‌باشد، و وضعیت مردم را تغییر می‌دهد، از آن جمله مورد است که اجتماع در تأسیس مرکزهای اجتماعی افراد بکار می‌برد مانند ایجاد دهات، شهرها، منطقه‌ها، مسکن‌ها با در نظر گرفتن مقتضیات، تناسب در باره کوه‌ها، دریاها، رودخانه‌ها و آنچه بدان بستگی دارد هر گاه به پدیده‌های اجتماعی از دیده ارتباط بروش اندیشه و کردار بنگریم خواهیم دید که دو بخش می‌گردد.

یکی از پایه‌هایی که توجه بر اندیشه انسانی است، که اجتماع مقرر میدارد افراد اندیشه‌های خود را و ادراکشان را از شناخت برخی از پدیده‌های طبیعت، ماوراء طبیعت بقالب‌هایی بگنجانند مانند قواعد اسلامی که هر فرد مسلمان خدای یگانه را بشناسد، او را جدا از همه حوادث بداند، مجرد از مکان و زمان بشناسد، یا قواعد اخلاقی که هر فردی مکلف باشد، معتقد گردد بدانکه راستی فضیلت است، دروغ از پستی و زشتی برمیخیزد - قواعدی است مشرف بکارهای انسانی مانند قاعده وجوب نماز و روزه بر هر فرد مسلمان، وجوب عقد بصورت خاصی مابین دو نفر که مایل بازدواج باهم باشند هرگاه پدیده‌های اجتماعی را از جنبه پایداری و گوناگونی این رشته آیین‌ها نگاه کنیم می بینیم این گونه قراردادهای اجتماعی بردو بخش میشوند نخست آیین‌هایی از روش‌ها، شریعت‌های اجتماع بصورت جزئی استقرار یافته‌است مانند آیین خانوادگی، سیاست، قضاوت، دین و اخلاق، دوم نظام‌هایی است که در معرض تطور قرار دارد ولی هنوز به مرتبه ثابتی نرسیده اما راه خود را بسوی تثبیت و استقرار می‌پیماید زیرا تطور و تغییر از سنت‌های پدیده‌های اجتماعی است.

بنا باختلاف اجتماعات، مقتضیات زندگی حالات مختلفی پیدا می‌کند، در هر اجتماعی نسبت بزمان وضعیت خاصی دارد، این تطورها نخست بصورت جهش‌هایی است از اجتماع که با وارد ساختن عنصرهای تازه کهنه‌ها را تبدیل میدهد یا از جریانی می‌اندازد، هدف‌ها را بسوی دیگر گونی میکشد همین‌طور برخورد این انگیزه‌ها را با قدیم ادامه میدهد تا برتری و پایداری یا بد آنگاه از نظام‌های ثابت و استوار پا برجا میماند. ممکن است باین ظواهر اجتماعی از درجه‌های دیگر توجه ننماییم و به بخش‌های بسیاری بخش کنیم ولی آنچه مورد نیاز و بحث قراردادیم از مهمترین گوشه‌های توجه باین پدیده‌هاست پیداست که آنچه ابن‌خلدون در مقدمه خود نگاشته حاکی از اندیشه روشن و رسای اوست در پدیده‌های اجتماعی و شامل کلیه نکات آن بر تمام انواع اجتماع است، و هیچیک از اقسام اجتماع را در بحث و انتقاد فروگذار ننموده است.

در باب اول و چهارم از کتاب مقدمه به بحث در پدیده‌های روش اجتماع انسانی پرداخته‌است، یعنی مقرراتی که با همکاری مردم استوار میگردد. ابن‌خلدون در باب نخست تأثیر موقعیت جغرافیائی را در پدیده‌های اجتماعی و دیگر پدیده‌های اجتماع روشن نموده، این همان فصلی است که علامه دورکیم دانشمند فرانسوی آن را «دانش بنیة اجتماعی» نامید، او و پیروان مدرسه‌اش تصور کردند نخستین کسانی هستند که به بحث و انتقاد درین گونه مسائل پرداختند و نمیدانستند که بیش از پنج قرن جلوتر از آنان ابن‌خلدون در فصل‌های ده‌گانه از باب دوم کتاب مقدمه ظواهر مربوط به شهر، روستا، اصول تمدن را مورد بحث و انتقاد قرار داده‌است، در نوزده فصل از باب دوم، در همه فصل‌های باب سوم از نظام حکومت و شئون سیاست بحث کرده، در هفت فصل از باب سوم و شش فصل از باب چهارم و در همه فصل‌های پنجم از پدیده‌های اقتصادی سخن رانده‌است.

در باب ششم از پدیده‌های تربیتی و علوم و اصناف آن در تعلیم و روش آن سخن گفته در بین گفتگو در پدیده‌های این باب به ظواهر دیگری پرداخته پدیده قضائی- اخلاقی، کمال دینی و کیفیت آنها .

مطالعات ابن خلدون درین باره توجه بر دو حالت استمقرار و تطور آمیخته بود و توجه داشت که بین آنچه در قالب فکر و فهم ، یا آنچه بصورت نظام در کار و سلوک بروز میکند وفق بدهد.

هدف مقدمه ابن خلدون در چیست !؟

نظر ابن خلدون در پشت پرده بررسی از پدیده‌های اجتماعی، کشف قوانینی است که ظاهر پیدایش و تطورات و دگرگونی‌های دیگر آن قوانین را پیروی میکند، کلمه قانون در عرف علمی بر اصول کلی، ارتباط سبب به مسبب است اسباب خاصی را بر روز می‌رساند، نتیجه حادثه آن با سبب بر می‌گردد یا بقول منتسکیو آنچه علاقه ضروری است زائیده از طبیعت اشیاء را تبیین مینماید بنا بر تقریر دانشمندان علوم طبیعی و ریاضی درباره پایه‌هایی که بستگی سببی لازمی را مابین دو مورد یا بیشتر آشکار می‌سازند نام قانون بر آن می‌گذارند درست است مانند قانون جاذبه عمومی، قانون ارشمیدس، قانون بویل در طبیعیات، قانون سود و بهره برداری، تساوی دوسوم، ضرب عددی در عدد دیگر در ریاضیات ازین گذشته آدمی از قرنهای بسیار دور و دراز پیروی از ستارگان در شرق و غرب خود بقانون‌های ثابتی پی برد، راهنمای او مشاهدات روزمره و توجه در سیر مرتب این کواکب آسمانی بود .

تاسیس علم فلک یعنی کهنه ترین دانشی که بشر آنرا شناخت بر پایه همین دیدنی‌هاست با ترقی و پیشرفت اندیشه بشری آدمی زاده پیروی از پدیده‌هایی که قوانین ثابت که دامنه آن رفته رفته گسترده تر گردید پی برد تا شامل همه گوشه و کنار طبیعت و همه رویدادهای زندگی شود، بنا بر این مکتشفان، بانشاء علوم طبیعت، شیمی، جغرافیا و زیست شناسی بتشریح پرداختند .

هر موضوعی که ربط به پدیده‌ای از پدیده‌های طبیعت یا گوشه‌ای از ناحیه‌های ارتقاء را مورد مطالعه قرار دهد قوانین حاکم بر آن‌ها را کشف نمودند، بشر پی برد که قوانینی از جهت سنجش یا محدود بودن معین می‌گردید، علوم ریاضی از حساب، هندسه، جبر، مثلثات و مانند آنها پدید می‌شد.

آدمی مدتی زیست تا دانشمندان به قانون‌ها، تذکر، تخیل، تداعی معانی، ادراک حسی، حکم و امثال، استدلال، عواطف، اراده و مانند آنها پی بردند ولی پدیده‌های اجتماعی را در جامعه بشری پیش از ابن خلدون دانشمندان بزرگ اسلامی کسی پی نبرده بود که آن هم مانند پدیده‌های دیگر از قوانین ثابت پیروی مینمایند.